



ارزیابی نقش شهرهای میانی شمال استان فارس در تعادل منطقه‌ای با استفاده از روش تحلیل شبکه

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۹/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۱۲

زهرا سادات (سعیده) زرآبادی

استادیار شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران
zarabadi@gmail.com

گلنار فرزام

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم تحقیقات تهران، ایران goly_3222@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: الگوی توزیع جمعیت در کشورهای در حال توسعه، نشان از عدم تعادل در شبکه استقرار جمعیت و بهره‌وری از منابع و امکانات سرزمین دارد که در دهه‌های اخیر این عدم تعادل بیشتر به چشم می‌خورد و هر کشوری بنا به فراخور حال و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود به‌نوعی سعی در برطرف نمودن این مشکل داشته است؛ اما اغلب برنامه‌ریزی‌ها در این زمینه با موفقیت همراه نبوده است و در حال حاضر شاهد توزیع ناموزون و ناهمبند جمعیت در مراکز سکونتگاهی هستیم.

استان فارس هم از جمله استان‌هایی است که با مشکل نخست شهری رو به رو است، از آن جا که تمامی امکانات و سطوح عالی خدماتی، اجتماعی، اقتصادی در شهر شیراز قرار دارد بنابراین روز به روز به جمعیت این شهر اضافه شده و از جمعیت شهرهای کوچک و میانی کاسته می‌شود بنابراین باید با اعمال سیاست‌هایی و با کمک شهرهای میانی و کوچک و توجه به نقش این شهرها از پدیده نخست شهری جلوگیری کرد. لذا شهرهای میانی در این بین نقش انتقال جمعیت و تقویت توسعه را ایفا می‌کنند.

هدف از این مقاله بررسی نقش شهرهای میانی شمال استان فارس در ایجاد تعادل منطقه‌ای در استان می‌باشد و همچنین بررسی نقاط قوت و ضعف هرکدام از شهرهای میانی و چگونگی توسعه آن‌ها که از این طریق بتوان از پدیده نخست شهری در استان جلوگیری کرد.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است که به نقش شهرهای میانی شمال استان فارس در توسعه و تعادل منطقه‌ای با استفاده از روش تحلیل شبکه می‌پردازیم و نقش شهرستان‌های آباده، اقلید، کازرون، مرودشت، بوانات، استهبان، نی ریز، نورآباد و سپیدان (شهرهای میانی بیشتر از چهار و پنج هزار نفر) را در ایجاد این تعادل مورد بررسی قرار می‌دهیم. در روش تحلیل شبکه با استفاده از گراف‌ها، با در نظر گرفتن هر کدام شهرهای میانی به‌عنوان نودها، با استفاده از فلش‌هایی خدمات‌دهی یا خدمات‌گیری این شهرستان‌ها مشخص می‌شود و در ماتریس تحلیل شبکه با وجود عدم وجود عدد ۱ در این ماتریس سهم بهره‌گیری از خدمات در شهرستان مورد نظر مشخص می‌شود.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پس از مطالعه و بررسی شهرهای میانی ذکر شده با استفاده از روش تحلیل شبکه می‌توان دریافت که سهم بهره‌مندی از خدمات در هرکدام از شهرها چگونه است و در صورت کمبود خدمات با تقویت شهرستان مطالعه در بخش مورد نظر این کمبود را جبران کرد.

واژگان کلیدی: شهر میانی، منطقه، توسعه، تحلیل شبکه

مقدمه

در دیدگاه‌های تبیین کننده فرایند توسعه منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیت‌ها در فضا، از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه توجه به تمرکززدایی در بحث توسعه، به‌ویژه در کشورهای رو به پیشرفت، از اساسی‌ترین نگرش‌ها است و در بحث تمرکززدایی یکی پایه‌ای‌ترین مباحثی که مطرح شده، لزوم نگرش به بخش‌های میانی سلسله مراتبی سکونتگاه‌هاست که در این میان، شهرهای متوسط نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. مرور تجربه‌ها نشان می‌دهد که شهرهای میانی معمولاً توانایی جذب فعالیت‌ها را بر اساس میزان مدنظر سیاست‌گذاران ندارند (محمدزاده تیتکانلو ۱۳۸۱، ۱۶)

در ایران نیز با وجود اهمیتی که در متن برنامه‌های توسعه در دهه‌های گذشته به شهرهای میانی داده شده است، توجه چندانی به شناخت ساز و کارهای شهرهای میانی در متن برنامه‌های توسعه نشده است و حتی گاهی با ابزارهای قطب رشد و به‌صورتی انتخابی با این شهرها برخورد شده است در حالی که رفع معضلات کلان شهرها نیز تا حد زیادی بستگی به سازماندهی و حل مشکلات شهرهای کوچک و متوسط دارد. همچنین شواهد تجربی نشان داده که توزیع نظام یافته شهرها با سطح بالای توسعه اقتصادی همراه است و کشورهایی که شهرهای آن در یک سلسله مراتب منطقی در فضای ملی استقرار یافته‌اند، اقتصاد متعادلی دارند (رجائی ۱۳۸۶، ۲).

کشورهای رو به پیشرفت با پدیده نخست شهری و تمرکزگرایی زیادی روبرو هستند. بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده، شهرهای متوسط می‌توانند، روند تمرکزگرایی را تعدیل کرده با بازنگری نظام شهری، راه‌حلی برای مسئله‌ی نخست شهری باشند. بر اساس نظریه مدافع شهرهای متوسط، این شهرها می‌توانند در درون یک شبکه شهری متوازن و بر پایه‌ی سلسله مراتب، نقش‌های مورد انتظار را همانند یک کنشیار رشد و توسعه، ایفا کنند. در بررسی ایده‌های صاحب نظرانی که به‌طور خاص به شهرهای متوسط پرداخته‌اند، می‌توان دریافت که بیشتر آن‌ها مسائل و مشکلات ناشی از قطب‌گرایی فضایی، نابرابری‌های منطقه‌ای، تقدم و تسلط تک شهری، تفاوت‌ها و دوگانگی‌های شهری-روستایی، کاهش کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ و سرانجام ناهماهنگی در توزیع فضایی امکانات، منابع و سرمایه‌ها را مطرح کرده‌اند و سپس در پی توجیهات نظری برای

راهبردهای شهرنشینی غیرمتمرکز با تأکید بر حمایت از شهرهای متوسط بوده‌اند (حاتمی نژاد و دیگران ۱۳۹۰، ۲۴).

در این پژوهش تلاش بر این است که با استفاده از روش تحلیل شبکه به بررسی ارتباط بین شهرهای میانی شمال استان فارس بپردازیم و توسعه و تعادل منطقه‌ای را افزایش دهیم.

بیان مسئله

بر اساس دیدگاه‌های موجود، یکی از عوامل مؤثر در مشکلات ناشی از شهرنشینی و شهرگرایی، کم‌توجهی به آثار فضایی خط‌مشی‌های اقتصادی در کشورهاست به‌طوری‌که عدم ارتباط منطقی بین توزیع و تخصیص سرمایه‌گذاری‌ها با عامل مکان و فضا از یک طرف و توزیع منابع به‌صورت بخشی از سوی دیگر، آثار فضایی ناخواسته‌ای را در پی داشته که از آن جمله می‌توان به عدم تعادل در توزیع امکانات و نابرابری‌های درآمد بین مناطق و گرایش به تمرکز در یک یا چند نقطه محدود اشاره کرد. در این میان به دلیل اهمیت نقشی که شهرهای میانی می‌توانند ایفا کنند، ضرورت پژوهش پیرامون آن احساس می‌گردد (دلیر و دیگران ۱۳۹۱، ۱۶۱).

پیدایش یک شبکه شهری و چگونگی شکل‌گیری فضایی آن در یک کشور و یک منطقه، بازتاب پدیداری شکل بندی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مقاطع مختلف تاریخی و خاص هر دوره‌ای است. چنین نگرشی، فضا و شبکه شهری را همواره پدیده‌ای پویا و متحول می‌داند که تعامل و یا قبول هرگونه تحول ساختاری، بسته به فرایندهای تاریخی، جریانات اقتصادی، نظام‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و همچنین تحولات اجتماعی می‌باشد (کنعان پور ۱۳۸۴، ۳۲۰).

در ایران معمولاً نقش شهرهای کوچک و متوسط (بین منطقه روستایی و شهرهای بزرگ) کم‌اهمیت‌تر شده و در مقابل شهرهای اصلی و بزرگ اهمیت و رشد بیشتری می‌یابند. علت این امر همان علل ایجاد تمرکز در کشورها می‌باشد که عمدتاً ناشی از کمبود زیرساخت‌ها، تمرکز سرمایه و سایر امکانات و به‌طور کلی عوامل متعدد اقتصادی-اجتماعی حاصل از رشد روابط سرمایه‌داری پیرامونی است، نتیجه پویای فوق یعنی از میان رفتن نقش شهرهای کوچک و میانی و پیدایش نوعی شبکه شهری است که به آن شبکه زنجیره‌ای می‌گویند، یعنی هر شهر کوچک یا متوسط و حتی در

مواردی هر روستا مستقیماً با متروپل اصلی در ارتباطاند (سعیدآبادی و دیگران ۱۳۸۹، ۲).

شبکه‌ی شهری ایران تا چند دهه قبل از همگونی نسبی برخوردار بوده است، بدین معنا که بدون وجود یک مادر شهر اصلی که همه فعالیت‌ها و منابع را به خود جذب کند و روی شبکه شهری تأثیر خاصی بگذارد، ارتباط ارگانیکی به مفهوم ارتباط متقابل شهرهای کوچک و بزرگ هر منطقه از یک سو و شهرها و مراکز روستایی آن‌ها از سوی دیگر برقرار بوده است. در حالی که از دهه‌ی ۱۳۳۰ به دنبال دگرگونی شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران که ناشی از حاکمیت الگوی برون‌زا شده است، دچار تغییرات اساسی گردیده است و موجب پیدایش کلان شهرها، گسیختگی یا انفصال در شبکه شهری در سطح کلی سرزمین و در سطح مناطق شده است (تقوایی و دیگران ۱۳۸۷، ۳۹).

استان فارس هم از جمله استان‌های پهناور کشور می‌باشد که از این قاعده مستثنی نبوده است و رشد شتابان شهرنشینی و افزایش شهرها و جمعیت شهری آن سرعت بیشتری یافته است. شهر شیراز به علت جاذبه‌های فراوان و اجرای برنامه‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های دولتی در چند دهه اخیر جاذب جمعیت بوده و گسترش یافته است و موجب بر هم خوردن تعادل منطقه‌ای شده است؛ بنابراین یکی از راهبردهای مهم در این استان توسعه شهرهای کوچک و میانی و هدایت جریان‌های مهاجرتی به این شهرهاست چرا که عدم تعادل و توازن در اسکان جمعیت ناشی از جریان نامطلوب و غیرمنطقی مهاجرت‌ها به شهر شیراز است. در واقع شهرهای میانی و کوچک این استان با زمینه‌سازی و فراهم آوردن شرایط مساعد، می‌توانند در برقراری یک نظام منظم و منطقی سلسله مراتبی در یک منطقه موفق باشند.

بر همین اساس این پژوهش بر آن است که به این سؤالات پاسخ دهد که نقش شهرهای میانی مورد مطالعه در تعادل بخشی فضایی به سلسله مراتب سکونتگاه‌ها چیست؟

فرضیه اصلی در ارتباط با سؤال تحقیق این است که شهرهای میانی مورد مطالعه در تعادل بخشی فضایی به سلسله مراتب سکونتگاه‌ها نقش اساسی دارند.

ادبیات و پیشینه پژوهش

شهرهای کوچک و متوسط یا مراکز شهری سطح پایین در سلسله مراتب شهری و نقش آن‌ها در توسعه‌ی

منطقه‌ای، یکی از مباحث جدی در محافل علوم منطقه‌ای است. نظریات و عقاید متفاوتی در مورد نقش آن‌ها در توزیع مدرنیزاسیون، اثرات آن‌ها در توسعه‌ی مناطق روستایی، عملکرد آن‌ها به عنوان مراکز ارائه خدمات و نیز نقش آن‌ها در جلوگیری از مهاجرت روستایی مطرح است. در کشورهای در حال رشد، شهرهای بزرگ با عدم پیوستگی کامل با شهرهای میانی و کوچک، اکثر سطوح عالی خدماتی، اجتماعی و اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند و شهرهای کوچک و میانی با ارتباط ضعیف جوامع پایین‌تر از خود به صورت فضاهای پیرامونی، حاشیه‌ای و وابسته در آمده‌اند (موحد و مسعودی راد ۱۳۸۸، ۱۲۷).

فیلهو معتقد است که نقش و اهمیت شهرهای کوچک و میانی از دهه ۱۹۷۰ بیشتر مورد توجه قرار گرفت. سیاست تشویق شهرهای میانی برای اولین بار در ششمین برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی فرانسه (۷۵-۱۹۷۱) به منظور تمرکززدایی و ایجاد نظام متعادل‌تر مطرح گردید و در طول برنامه برای دهه‌ی هفتاد شهر به کار رفت. در کنفرانس جمعیت سازمان ملل (۱۹۷۴) بخارست، لزوم تجهیز شبکه جهانی شهرهای کوچک و میانی برای کاهش رشد شهرهای بزرگ مطرح گردید و این سیاست بعدها توسط کشورهای در حال توسعه که با الگوی نامتوازن شهری روبرو بودند، پیگیری شد (باقر، ۱۳۷۷، ۲۶). در ایران نیز بر اساس طرح آمایش سرزمین به اصل تمرکززدایی (عملاً در خلاف جهت اصل صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس) توجه شده است، بر این اساس از انباشتگی بیش از حد جمعیت در یکی دو مرکز انتقاد شده است (توفیق ۱۳۸۴، ۴۷۶). از آن جا که شهرها به عنوان وزنه‌های اصلی نواحی، حالت تعادل بخشی دارند و به دلیل نقش چشمگیرتر شهرهای میانه در این تعادل باید در کالبد و توسعه‌ی آن‌ها اهمیت فراوانی قائل شد، لذا تقویت این شهرها به موازات چارچوب برنامه‌های ملی - ناحیه‌ای می‌تواند نتایج بسیار مفیدی در توسعه‌ی متعادل ناحیه‌ای و منطقه‌ای داشته باشد (حسین زاده دلیر ۱۳۸۰، ۱۱۸). سابقه توجه به شهرهای میانی در ایران به برنامه پنجم عمرانی (۵۶-۱۳۵۲) قبل از انقلاب می‌رسد. در این برنامه بر سیاست‌گذاری‌های عمران نواحی با هدف کاهش اختلاف مناطق کشور، پیشبرد برنامه‌های خاص ناحیه‌ای و کاهش مهاجرت بین استانی، سیاست‌گذاری عدم تمرکز اداری و اقتصادی تأکید شد. ضمناً ایجاد نظام شهری موزون با تأکید بر حوزه‌های نسبتاً مستقل سیزده شهر

شهرهایی با جمعیت بیش از صد هزار تن به استثنای بزرگ‌ترین شهر (تقوایی و مختاری ۱۳۸۳، ۱۷).

به‌طور کلی کلمه شهر میانی، خود، مفهوم اندازه، وسعت و ابعاد شهر را به ذهن متبادر ساخته و بار کمی دارد. از این‌رو: باید وزن جمعیتی آن در پهنه سرزمین ارزیابی شود. بر این اساس، ضروری است که معیارهای رسمی کمی به کار گرفته شوند. در عین حال باید یادآور شد که اندازه شهر، عیناً مفهوم نقشی را که در منطقه پیرامون ایفا می‌کند در بر ندارد؛ بنابراین باید بر عملکرد و نقش شهر در شبکه شهری تأکید گذاشت. از آنجا که مفهوم متوسط یا میانی در کشورهای مختلف متفاوت خواهد بود، برای درک عمومی از آنچه که شهر میانی خوانده می‌شود، شایسته‌ترین معیار اندازه نسبی جمعیت است. رقم ۵۰۴۰ نفری در نظر افلاطون برای شهر شایگان مترادف با یک شهر متوسط بوده است (زیاری و تقی اقدام ۱۳۸۷، ۱۶).

علی‌رغم اهمیت زیرساخت‌ها برای توسعه‌ی اجتماعی- اقتصادی و سیاسی، شهرهای با اندازه‌ی متوسط، از تسهیلات کافی برخوردار نشده‌اند. بر اساس نظر راندینلی شهرهای با اندازه‌ی متوسط که او از آن‌ها به‌عنوان «شهرهای میانی» یاد می‌کند، در کشورهای در حال توسعه سهم نسبتاً کمی از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، صنعت و فعالیت‌هایشان در مقایسه با شهرهای بزرگ‌تر دارند (Adedayo and Afolayan, 2012, 620).

هاردوی و ساتراس وایت بحث کرده‌اند که حتی مراکز شهری و یا نواحی همگون که برابری جمعیت دارند می‌توانند تفاوت‌های زیادی در نوع اشتغال و اقتصاد پایه داشته باشند. تعدادی از شهرهایی که به‌عنوان شهرهای میانی در سلسله مراتب شهری بدان‌ها توجه شده برای هر کشوری و در زمان قابل تغییر است. پس می‌توان بیان کرد که تعبیر از مراکز شهری به‌عنوان کوچک و میانی اساساً به الگوی سکونت شهری در هر کشور و نیز در مقیاس و تنوع فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی و سهمی که هر مرکز شهری در ساختار ملی و منطقه‌ای خود دارد وابسته است. یک طبقه‌بندی خوب باید بر نقش شهر در منطقه ویژه خود و در فضای ملی مبتنی باشد.

(De Miranda Tofani 1996, 9). باشد قیاس‌ها

بنابراین ملاک اندازه جمعیتی نباید تعیین کننده موقعیت استراتژیکی نسبت به یک مرکز شهری متروپلیتن^۴، زیرساخت‌ها و منابع یکی از ویژگی‌های

مرکز مناطق کشور و تقویت شهرهای متوسط، برقراری نظام سلسله مراتبی خدمات‌رسانی استانی با تجهیز و ایجاد شهرهای کوچک، عدم تمرکز اداری و... مورد توجه قرار گرفت (صرافی ۱۳۷۷، ۷۷).

روش پژوهش

در این تحقیق نوع پژوهش کاربردی و روش بررسی به‌صورت توصیفی-تحلیلی است برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مراجعه مستقیم به مرکز آمار ایران، ادارات و سازمان‌های استان فارس و کشور و همچنین از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و آمارهای سال ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار گرفته است. نوع تحلیل در این پژوهش کمی است و از روش تحلیل شبکه جهت بررسی نقش شهرهای میانی شمال استان فارس استفاده شده است.

شهر میانی

تعریف مراکز سکونت‌گاهی میانی یا شهرهای متوسط در مقیاس جهانی پیچیده است و دلیل آن تنوع موجود در ویژگی‌های این شهرها در کشورهاست. اصولاً در تعیین اندازه‌های شهرهای میانی، بیشتر به معیارهای جمعیتی تکیه می‌شود. راندینلی، معتقد است شایسته‌ترین «معیار اندازه نسبی جمعیت است» که با تجزیه و تحلیل‌های مقایسه‌ای به دست می‌آید (تقوایی و وارثی ۱۳۸۷، ۴۰).

زمانی که در یک کشور اندازه جمعیت بزرگ‌ترین شهر، در حد جمعیت شهر کوچک یا متوسط کشور دیگری است، لزوماً مقیاس شهر متوسط آن نیز به‌اندازه شهرهای مختلف خود آن کشور تعریف می‌شود. در واقع اندازه میانه در هر کشور با اندازه بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین شهر همان سرزمین مشروط می‌شود؛ اما آیا فاصله‌ای خاص برای شهرهای میانی نسبت به حد بالا و پایین سکونت‌گاه هر سرزمین می‌توان بر شمرد؟ فیلهو^۱ با استفاده از نظریه‌های لاژووی^۲ به این نکته اشاره دارد که شاید تنها چیزی که بتوان در این رابطه تعیین کرد، دامنه‌ای است که در آن تعدادی از شهرها را می‌توان «اندازه متوسط» نامید. او اعتقاد دارد بهتر است که آن‌ها را شهرهایی با «بعد متوسط» نه لزوماً اندازه متوسط به معنای عملکردی آن بنامیم (مکچی ۱۳۸۳، ۱۳).

تعریف راندینلی^۳ که حاصل بررسی‌های انجام شده در مورد ۳۱ شهر در ۱۷ کلان شهر جهان است، شهرهای متوسط را در دامنه‌ای گسترده در بر می‌گیرد:

پیرامون تأثیر مثبت دارد. همچنین نقش‌های مورد نظر او برای شهرهای میانه، بر پایه‌ی چند فرض اساسی است که تسکین و کاهش مشکلات شهرهای بزرگ (با جذب بخشی از جریان مهاجرت روستا- شهری)، کمک به رونق اقتصاد شهری و روستایی، جذب مهاجران روستایی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای از جمله آن‌هاست. «راندینلی» ضمن شرح مسائل و معضلات اقتصادی- اجتماعی، کالبدی- فضایی و سیاسی شهرهای بزرگ و هزینه‌های مقابله با آن‌ها نتیجه می‌گیرد که با ظرفیت‌سازی برای شهرهای متوسط، فشارهای جمعیتی بر شهرهای بزرگ کاهش خواهد یافت و آن‌ها به درجه‌ای از رشد که قابل مدیریت باشد خواهند رسید. (Rondinelli, 1983, 16-31)

موقعیت مکانی شهرهای میانی، تعیین کننده کارکرد آن درون منطقه‌ای که در آن قرار دارد و نقشی که در سطوح مختلف منطقه‌ای در کنار دیگر شبکه‌های شهری متمرکز ایفا می‌کند. بر اساس مکان آن‌ها، یکپارچگی فضایی، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی ارتباط با دیگر شهرها و همچنین ویژگی‌های خاص فرایند شهری در هر شهر یا منطقه، شهرهای میانی انعکاس دهنده‌ی (Bolay and Rabinovich, 2004, 410) موقعیت منطقه‌ای یا محلی گوناگون هستند

روش تحلیل شبکه

تحلیل شبکه شکلی از نمایش گرافیکی متشکل از دایره‌ها و خطوط است که در این راستا، دایره‌ها برای نمایش نقاط یا عوامل و خطوط نیز برای نمایش ارتباط میان این نقاط می‌باشند. این ایده به‌طور خلاصه در شکل یک که در برگزیده مجموعه‌ای از عوامل است، چگونگی ارتباط میان این عوامل را با یکدیگر نشان می‌دهد.

شهرهای میانی است. به‌طوری‌که شهرهای میانی باید به‌اندازه کافی نزدیک مراکز متروپولیتن قرار گیرند تا بتوانند از اثرات خارجی آن‌ها سود ببرند و جهت دوری از تبدیل شدن به حاشیه شهرهای بزرگ، به‌اندازه کافی از این شهرها دور باشند. (Otiso 2005, 118)

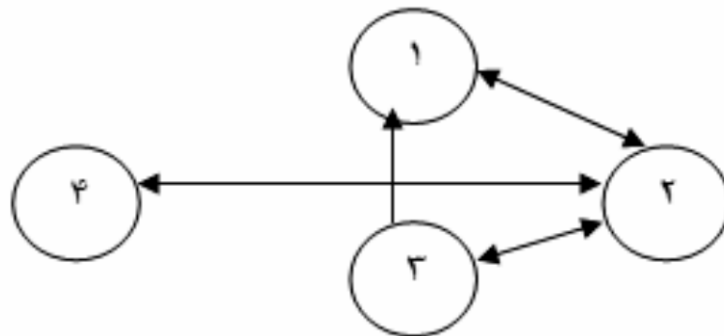
نقش و عملکرد شهرهای میانی

کلاس کانزمن، نقش و عملکردهایی را برای شهرهای متوسط برمی‌شمارد و آن‌ها را پایه‌ی نظری راهبردهای توسعه برای یک الگوی شهرنشینی متوازن و متعادل می‌داند. او توسعه‌ی هدایت شده‌ی فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی شهرهای میانی را موجب کمک به موارد زیر می‌داند:

- پراکنش شهرنشینی و هدایت مهاجرت روستاییان به شهرهای میانی (متوسط)؛
- کاهش مشکلات شهرهای بزرگ‌تر؛
- تحرک بخشیدن به اقتصاد روستایی- منطقه‌ای؛
- کاهش اختلافها و نابرابری‌های منطقه؛
- افزایش توانایی‌های سیستم مدیریت- اجرا؛
- کاهش فقر شهری؛
- کمک به فراهم کردن نیازهای اساسی جوامع روستایی و شهری؛
- تحرک اقتصاد شهری و گسترش نوآوری‌ها.

با پذیرفتن فرض‌های گفته شده، توسعه‌ی شهرهای میانی، عامل اساسی در راهبردهای ملی شهرنشینی است.

کانزمن سپس به عملکردهای بالقوه‌ی شهرهای میانه؛ یعنی عملکرد تولیدی، تسکینی و توسعه‌ای اشاره و آن‌ها را شرح می‌دهد. کانزمن برای دستیابی به الگوی شهرنشینی متوازن، حمایت از شهرهای متوسط را راهبردی قابل دفاع می‌داند؛ زیرا فرض می‌کند این شهرها در ایجاد تحرک ساختار اقتصادی سکونت‌گاه‌های



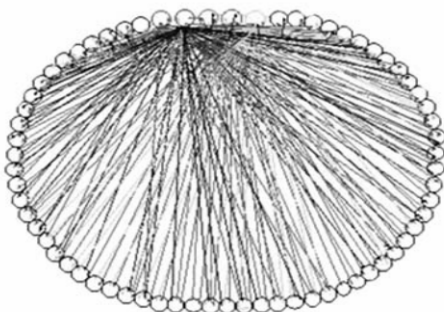
شکل (۱) نحوه تعامل و ارتباط میان نقاط در داخل یک شبکه

نشان می‌دهد که خطی بین عوامل است با پیکان در انتهای آن. برای مثال اگر روستای A دانش آموزان را به روستای B بفرستد جهت رابطه آموزش از A به B است که وابستگی آموزشی A را به B منعکس می‌کند (بدری و رونیزی ۱۳۸۷، ۶)

دیاگراف‌ها

یکی دیگر از روش‌های تحلیل داده‌ها، روش گراف است. این روش به بیان چگونگی ارتباط هر عامل در سیستم با عمل‌های دیگر در سیستم می‌پردازد. یک دیاگراف مجموعه‌ای ناتهی و متناهی N است که $N = \{n_1, n_2, \dots, n_g\}$ اعضایش N نامیده می‌شوند به همراه یک مجموعه $A = \{a_{12}, a_{13}, a_{14}, \dots, a_{1g}, g_1, g_2, \dots, g_g\}$ از جفت‌های مرتب a_{ij} که آرک نامیده می‌شوند که n_i و n_j اعضای مجزای N هستند. اگر تعداد عامل‌ها زیاد نباشد یک گراف روش مناسب برای نشان دادن این نکته است که کدامیک از عوامل با عوامل دیگر در ارتباط هستند و کدامیک از عامل‌ها مجزا هستند و کدامیک از عوامل فرستنده و کدامیک گیرنده است.

شکل زیر نمونه‌ای از یک دیاگراف با هفتاد و سه عامل را نشان می‌دهد. این دیاگراف مثال خوبی از شبکه‌ای است که تعداد ندهای آن زیاد است.



شکل (۲) نمونه‌ای از دیاگراف‌ها و ندها در یک شبکه

در روش گراف از گره‌هایی که در رأس هر کمان (آرک) قرار دارند به‌عنوان ند استفاده می‌کنند. مجاورت در یک تحلیل بر مبنای نظریه گراف نشان دهنده این واقعیت است که دو عامل که با ندها مشخص می‌شوند مستقیماً رابطه دارند یا اتصال گروهی دارند یا به هم متصل‌اند. در یک دیاگراف $D(N, A)$ ماتریس مجاورت $A(D) = \{a_{ij}\}$ که در آن $a_{ij} = 1$ اگر a_{ij} یا a_{ji} وجود داشته باشد و در غیر این صورت صفر است. اگر همه عوامل سیستم گره‌های دوطرفه باشند یک گراف کامل خواهیم داشت. در یک گراف کامل همه

روش تحلیل شبکه اجتماعی یکی از روش‌های آنالیز و بررسی وضع موجود و ارائه سند توسعه برای منطقه تحت مطالعه است. مدل‌های آماری بر پایه تحلیل شبکه به‌وسیله‌ی محققین تقریباً ۶۰ سال است که مورد استفاده قرار گرفته است. هدف از این مدل‌ها یک آزمایش کمی از خواص روابط اجتماعی بین عاملین یک شبکه مخصوص می‌باشد. تحلیل شبکه اجتماعی را می‌توان به‌عنوان تعمیم دهنده‌ی تکنیک‌های تحلیلی داده‌های آماری عملی به‌حساب آورد، این روش معمولاً بر روی مشاهدات واحدها و مشخصات آن‌ها تکیه دارد. یک تحلیل شبکه اجتماعی باید همچنین داده‌ها را بر روی بندبند یک واحد در نظر بگیرد. اساس تحلیل شبکه بر پایه چهارچوب داده‌های تحلیلی استوار است که به اطلاعات یا فرضیات وابسته می‌باشد. می‌توان عامل اصلی کلیدی را بر اساس جریان‌ات و وابستگی‌هایی که میان عناصر یک مجموعه وجود دارد شناسایی نمود. به این منظور ابتدا می‌باید عوامل یا جریان‌ات اساسی که در سطح یک جامعه وجود دارد شناسایی و از میان آن‌ها عواملی که حائز اهمیت بیشتری می‌باشند انتخاب و جریان‌ات و وابستگی‌های بین آن‌ها را در قالب ماتریسی از اعداد یک بسته مرتب نمود (عدد یک نشان از ارتباط داشتن و وابستگی بین عنصر یک مجموعه و عدد صفر نشان از عدم وابستگی دارد). هرچه اعداد به دست آمده در درون یک سطر ماتریس (درجه بیرونی) کمتر و در درون یک ستون (درجه درونی) بیشتر باشد نشان از ارتباط بیشتر سایر اعضا با این عضو دارد و بالعکس هرچه مجموع اعداد در درون یک سطر بیشتر و در درون یک ستون کمتر باشد نشان از وابستگی شدید این عنصر با سایر اعضا دارد. در تحلیل شبکه دو نوع رابطه اساسی وجود دارد:

۱- رابطه دو طرفه یا ارزشیابی شده (۱-۰) وجود یا عدم وجود رابطه بین دو عامل و یا سکونتگاه در یک مجموعه سکونتگاهی است و رابطه ارزشی علاوه بر وجود یا عدم وجود رابطه به شدت و فراوانی آن نیز توجه دارد.

۲- رابطه مستقیم و غیر مستقیم: یک رابطه مستقیم منشأ و انتهای روشنی دارد. یک رابطه غیر مستقیم در رابطه با منشأ و مبدأ جریان روشن و واضح نیست.

یک رابطه غیر مستقیم معمولاً با یک کمان ارائه می‌شود. یک خط بین عوامل درگیر که پیکان آن را مشخص نمی‌کند، معمولاً یک کمان رابطه مستقیم را

$$c(n_i) = [\sum_j^n d(n_i, n_j)]^{-1}$$

که $d(n_i, n_j)$ کوتاه‌ترین فاصله جغرافیایی بین عوامل i و j در شبکه و N اندازه شبکه است. این معیار بستگی به اندازه شبکه دارد؛ بنابراین اندازه‌ها قبل از مقایسه باید استاندارد شوند که اندازه‌گیری با تقسیم بر $(N-1)$ استاندارد می‌شود. بینابینی، اندازه‌گیری احتمال قرارگیری یک عامل بر سر راه عبور عوامل دیگر است. هرچه این تعداد بیشتر باشد آن عامل مرکزیت بیشتری دارد. (شریفی‌نیا و دیگران ۹۷، ۱۳۸۹)

ناحیه مورد مطالعه

استان فارس به مرکزیت شهر شیراز با وسعتی حدود ۱۲۴ هزار کیلومتر مربع. ۸/۱ درصد کل مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. این استان از شمال به استان‌های اصفهان و یزد، از جنوب به استان هرمزگان، از غرب به استان‌های بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد و از شرق به استان کرمان محدود می‌شود. در سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت استان برابر با ۴۳۳۶۸۷۸ نفر است که چهارمین استان پرجمعیت کشور محسوب می‌شود. شهرستان شیراز با ۱۷۴۹۹۲۶ نفر جمعیت، بیش از ۴۰٪ جمعیت استان را در خود جای داده است. اگر استان فارس را به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم کنیم شهرستان‌های آباده، اقلید، نورآباد، فیروزآباد، کازرون، فسا، لار، داراب، جهرم و مرودشت شهرستان‌های میانی شمال استان را تشکیل می‌دهند که در این مقاله به بررسی نقش آن‌ها در تعادل منطقه‌ای می‌پردازیم.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که گفته شد در این مقاله با استفاده از روش تحلیل شبکه به بررسی روابط بین شهرهای میانی شمال استان فارس می‌پردازیم، در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل شبکه به تحلیل جریان‌های آموزشی، کشاورزی، گردشگری و مصالح ساختمانی می‌پردازیم و مقادیر نزدیکی و بینابینی را برای هر کدام از شهرستان‌ها به دست می‌آوریم و میزان خدمات‌رسانی و یا خدمات‌گیری هر شهرستان را بررسی می‌کنیم و به استفاده از مجموع روابط موجود شهرستانی که بیشترین امکانات یا کمترین امکانات را دارا است و از خدمات شهرستان‌های دیگر استفاده می‌کند را شناسایی می‌کنیم.

عوامل گره‌های دو طرفه با دیگر عوامل داند به عبارت دیگر یک گراف کامل چگالی ۱۰۰٪ دارد. از نظر چگالی (D) یک دیاگرام نسبت به تعداد کمان‌های واقعی به معنای کمان‌های ممکن است. قدرت یک ند به‌عنوان فرستنده یا گیرنده در یک سیستم به آسانی با استفاده از ماتریس اجتماعی یا داده‌های ماتریس مجاورت قابل اندازه‌گیری است. در روش دیاگرام تعداد آرک‌هایی که از یک ند آغاز می‌شود مشابه مجموع سطرها در روش ماتریس درجه بیرونی ند و تعداد آرک‌هایی که به یک ند منتهی می‌شوند معادل مجموع تعداد ستون‌ها در روش ماتریس درجه درونی ند نامیده می‌شوند. بر اساس تحلیل شبکه اجتماعی ندها از اهمیت زیادی برخوردارند. معیارهایی برای اندازه‌گیری اهمیت یک ند وجود دارد که عبارت‌اند از: مرکزیت محلی، اعتبار محلی، مرکزیت کلی. (۱) مرکزیت کلی: تعداد انتقالات مستقیم را انعکاس می‌دهد و بنابراین به‌طور اساسی با درجه بیرونی برای هر عامل اندازه‌گیری می‌شود.

(۲) اعتبار محلی: تعداد دریافتی‌های مستقیم را نشان می‌دهد و برای هر عامل با درجه درونی اندازه‌گیری می‌شود. چون این معیارها بر پایه درجه ندها است آن‌ها را با درجه مرکزیت و درجه اعتبار هم می‌شناسند. با توجه به یک مسیر، یک عامل می‌تواند یک انتقال دهنده (کمان از ند خارج شود) یا یک حامل (حداقل دو کمان یکی به داخل و یکی به بیرون وجود داشته باشد) یا یک دریافت کننده (کمان به ند وارد شود) باشد.

یک عامل را منبع یا انتقال دهنده گویند، هرگاه درجه درونی صفر و درجه بیرونی غیر صفر داشته باشد، یعنی مجموع ردیف صفر ولی مجموع ستوری عامل غیر صفر داشته باشد. یک عامل را چاله یا دریافت کننده گوئیم درجه بیرونی صفر و درجه درونی غیر صفر داشته باشد، یک عامل را ایزوله می‌نامیم که درجه درونی و بیرونی آن توأمان صفر باشد.

(۳) مرکزیت کلی: اگر یک عامل در کوتاه‌ترین مسیر بین دیگر عوامل باشد این عامل را مرکزی گویند. کوتاهی مسیرها از یک عامل به دیگر عوامل با نزدیکی اندازه‌گیری می‌شود. ایفای نقش سهم میانه بودن یک عامل، به‌واسطه‌ی مرکزیت، بینابینی را اندازه‌گیری می‌کند.

نزدیکی، عکس فاصله است. هرچقدر فاصله عامل i با دیگر عوامل کمتر باشد عامل i به مرکزی بودن نزدیک‌تر است که از لحاظ ریاضی داریم:

جدول (۱): تحلیل جریان مسائل آموزشی

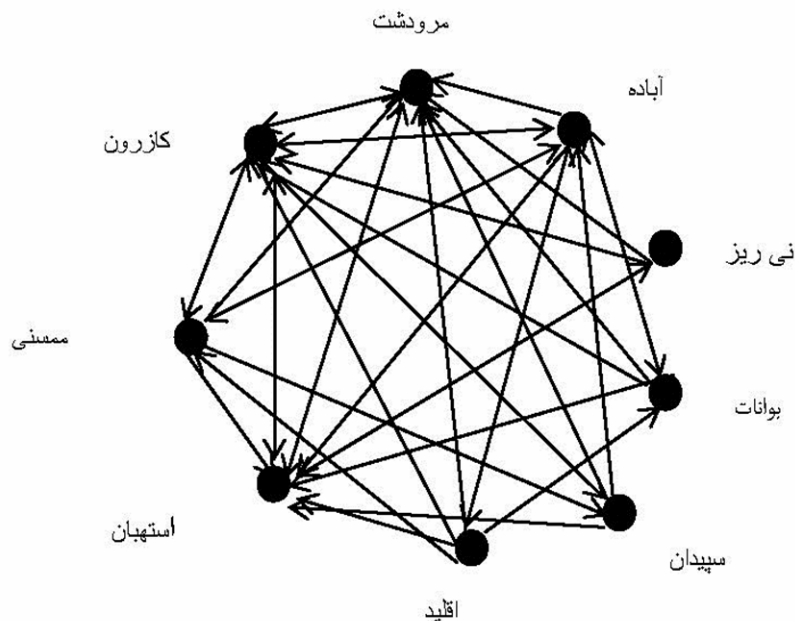
آباده	اقلید	مروذشت	کازرون	ممسنی	سپیدان	بوانات	استهبان	نی ریز	درجه بیرونی
آباده	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
اقلید	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
مروذشت	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲
کازرون	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵
ممسنی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵
سپیدان	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵
بوانات	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۴
استهبان	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳
نی ریز	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳
درجه درونی	۵	۱	۸	۸	۴	۲	۲	۱	۳۹

نتایج دیاگراف شماره ۳

با توجه به این که هیچ یک از جمع سطرها و ستون‌ها با هم صفر نمی‌شود نتیجه‌گیری می‌شود که سکونت‌گاه ایزوله یا مجزا از نظر مسائل آموزشی وجود ندارد.

با توجه به ماتریس آموزشی مشاهده می‌شود که چون سکونت‌گاه‌ها دارای ارتباط دو طرفه کامل نیستند، پس روابط بین آن‌ها کامل نمی‌باشد و تراکم و درصد ارتباطات با توجه به فرمول $N(N-1)$ برابر ۷۲ می‌باشد و تراکم این بخش ۵۴/۱ به دست می‌آید.

با مشاهده ماتریس بالا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از مجموع مکان‌های فوق، از نظر آموزشی مروذشت، کمترین وابستگی را نسبت به شهرستان‌های اطراف دارد و وابستگی شهرستان‌ها به مروذشت و کازرون و استهبان به مراتب بیشتر از سایر شهرستان‌ها است زیرا بیشترین امتیاز را گرفته‌اند و این به این دلیل است که تنوع رشته‌های مهندسی در دانشگاه‌های مروذشت و استهبان بیشتر است و رشته‌های پزشکی در دانشگاه کازرون وجود دارد.



شکل (۳) دیاگراف جریان مسائل آموزشی

جدول (۲) تحلیل جریان مسائل کشاورزی

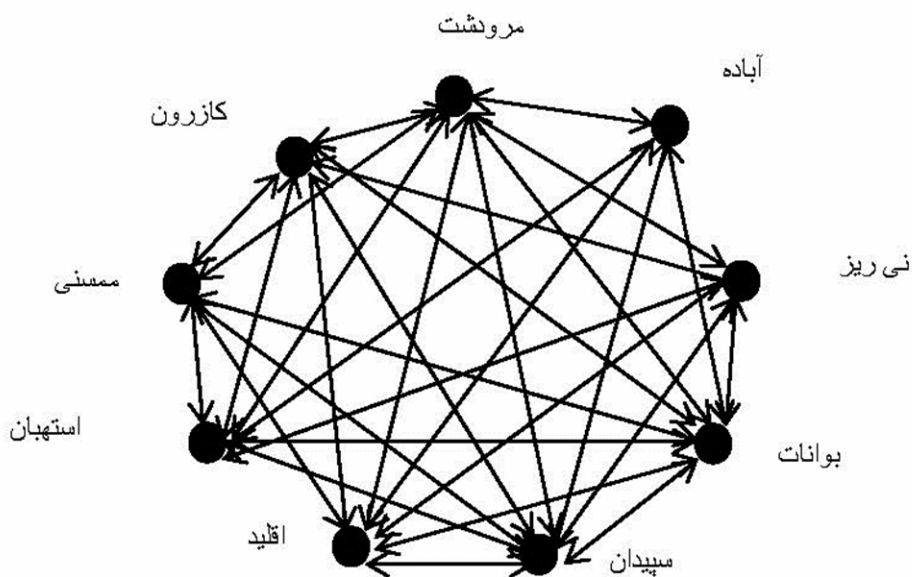
آباده	اقلید	مرودشت	کازرون	ممسنی	سپیدان	بوانات	استهبان	نی ریز	درجه بیرونی
آباده	۱	۱			۱	۱	۱	۵	۵
اقلید					۱	۱	۱	۵	۵
مرودشت	۱		۱	۱	۱	۱	۱	۸	۸
کازرون	۱	۱		۱	۱	۱	۱	۶	۶
ممسنی	۱	۱	۱		۱	۱	۱	۶	۶
سپیدان	۱	۱	۱	۱		۱	۱	۸	۸
بوانات	۱	۱	۱	۱	۱		۱	۷	۷
استهبان	۱	۱	۱	۱	۱	۱		۷	۷
نی ریز	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶	۶
درجه درونی	۴	۸	۶	۴	۸	۸	۸	۴	۵۸

تحلیل جریان مسائل کشاورزی

با مشاهده ماتریس بالا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از مجموع مکان‌های فوق، از نظر کشاورزی، آباده و اقلید کمترین وابستگی را نسبت به شهرستان‌های اطراف دارند و وابستگی شهرستان‌ها به اقلید، مرودشت و سپیدان، بوانات و استهبان به مراتب بیشتر از سایر شهرستان‌ها است زیرا بیشترین امتیاز را گرفته‌اند.

نتایج دیاگرام شماره ۴

- با توجه به این‌که هیچ‌یک از جمع سطرها و ستون‌ها با هم صفر نمی‌شود نتیجه‌گیری می‌شود که سکونت‌گاه ایزوله یا مجزا از نظر مسائل کشاورزی وجود ندارد.
- با توجه به ماتریس کشاورزی مشاهده می‌شود که چون سکونت‌گاه‌ها دارای ارتباط دو طرفه کامل نیستند، پس روابط بین آن‌ها کامل نمی‌باشد و تراکم و درصد ارتباطات با توجه به فرمول $N(N-1)$ برابر ۷۲ می‌باشد و تراکم این بخش ۸۰/۵ به دست می‌آید.



شکل (۴): دیاگرام جریان ارتباط کشاورزی کشاورزی کشاورزی

جدول (۳): تحلیل جریان مسائل دامپروری

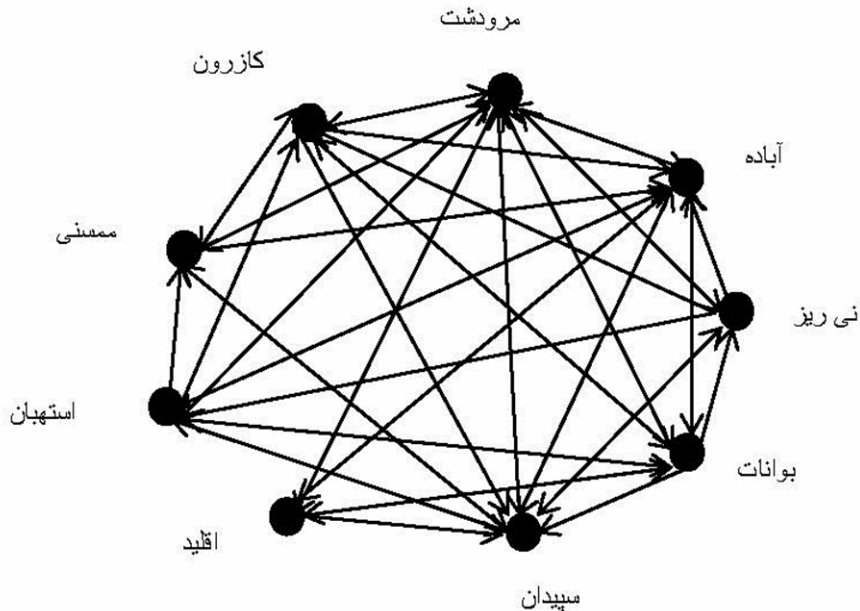
آباده	اقلید	مرو دشت کازرون	ممسنی	سپیدان	بوانات	استهبان	نی ریز	درجه بیرونی
آباده	۱	۱		۱	۱			۴
اقلید	۱			۱	۱			۴
مرو دشت	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
کازرون	۱	۱	۱	۱	۱			۵
ممسنی	۱	۱		۱				۴
سپیدان	۱	۱	۱			۱	۱	۶
بوانات	۱	۱	۱	۱		۱	۱	۷
استهبان	۱	۱	۱	۱	۱		۱	۷
نی ریز	۱	۱		۱		۱		۵
درجه درونی	۳	۸	۶	۴	۵	۴	۴	۵۰

تحلیل جریان مسائل دامپروری

از ماتریس بالا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از مجموع مکان‌های فوق، از نظر دامپروری، آباده، اقلید و ممسنی کمترین وابستگی را نسبت به شهرستان‌های اطراف دارد و وابستگی شهرستان‌ها به مرو دشت و آباده و سپیدان بیشتر از سایر شهرستان‌ها است زیرا بیشترین امتیاز را گرفته‌اند.

نتایج دیارگراف شماره ۵

- با توجه به این که هیچ‌یک از جمع سطرها و ستون‌ها با هم صفر نمی‌شود نتیجه‌گیری می‌شود که سکونت‌گاه ایزوله یا مجزا از نظر مسائل دامپروری وجود ندارد.
- با توجه به ماتریس دامپروری مشاهده می‌شود که چون سکونت‌گاه‌ها دارای ارتباط دو طرفه کامل نیستند، پس روابط بین آن‌ها کامل نمی‌باشد و تراکم و درصد ارتباطات با توجه به فرمول $N(N-1)$ برابر ۷۲ می‌باشد و تراکم این بخش ۶۹/۴ به دست می‌آید.



شکل (۵) دیارگراف جریان ارتباط دامپروری کشاورزی کشاورزی

جدول (۴) تحلیل جریان گردشگری

آباد	اقلید	مروذشت	کازرون	ممسنی	سپیدان	بوانات	استهبان	نی ریز	درجه بیرونی
آباد	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
اقلید	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
مروذشت	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
کازرون	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵
ممسنی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵
سپیدان	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵
بوانات	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
استهبان	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵
نی ریز	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۴
درجه درونی	۳	۶	۸	۸	۱	۴	۵	۸	۵۱

تحلیل جریان گردشگری

از ماتریس بالا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از مجموع مکان‌های فوق، از نظر گردشگری، مروذشت، سپیدان، نی ریز و کازرون بیشترین جاذبه را از نظر توریست و گردشگری داشته‌اند و ممسنی کمترین جاذبه را از نظر توریست و گردشگری داشته‌اند.

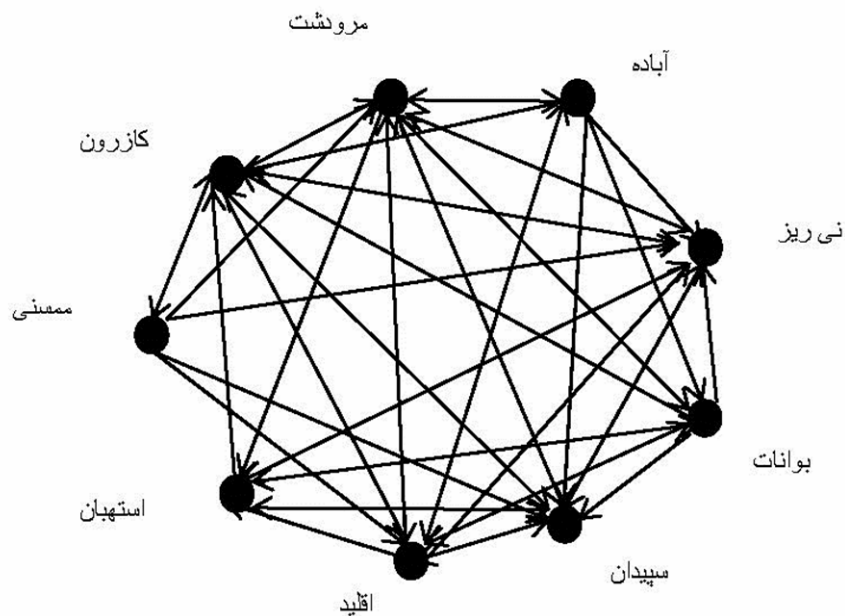
نتایج:

- با توجه به این که هیچ‌یک از جمع سطرها و ستون‌ها با هم صفر نمی‌شود نتیجه‌گیری می‌شود که سکونت‌گاه ایزوله یا مجزا از نظر مسائل گردشگری وجود ندارد.

نتایج دیاگرام شماره ۶

- با توجه به این که هیچ‌یک از جمع سطرها و ستون‌ها با هم صفر نمی‌شود نتیجه‌گیری می‌شود که سکونت‌گاه ایزوله یا مجزا از نظر مسائل گردشگری وجود ندارد.

- با توجه به ماتریس گردشگری مشاهده می‌شود که چون سکونتگاه‌ها دارای ارتباط دو طرفه کامل نیستند، پس روابط بین آن‌ها کامل نمی‌باشد و تراکم و درصد ارتباطات با توجه به فرمول $N(N-1)$ برابر ۷۲ می‌باشد و تراکم این بخش ۷۰/۸ به دست می‌آید.



شکل (۶) دیاگرام جریان ارتباط گردشگری

جدول (۵) مقایسه میزان تراکم عملکردها

عملکرد	جمع سطرها	تعداد کل روابط ممکن	تراکم درصد)
آموزشی	۳۹	۷۲	۵۴/۱
کشاورزی	۵۸	۷۲	۸۰/۵
گردشگری	۵۱	۷۲	۷۰/۸
دامپروری	۵۰	۷۲	۶۹/۴

تولید کننده نیاز خود، از نظر کشاورزی یا دامپروری است، بلکه صادر کننده آن محصولات هم می باشد که از شهرهای مورد مطالعه شهرستان های اقلید، مرودشت، سپیدان، استهبان، بوانات از نظر کشاورزی و آباده و مرودشت و سپیدان از نظر دامپروری صادر کننده می باشند. جدول شماره ۶ مجموع فواصل هر سکونتگاه نسبت به سکونتگاه های دیگر را نشان می دهد:

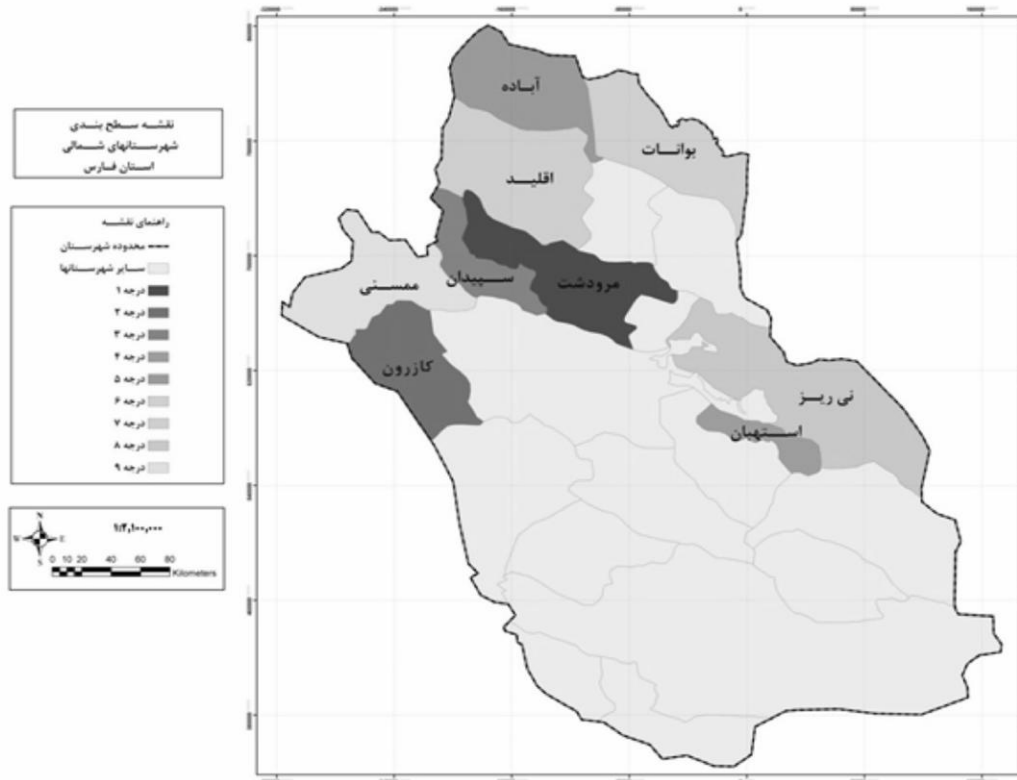
با مشاهده جدول بالا می توان مشاهده کرد که تراکم عملکردها در وضعیت مشابهی قرار ندارد و عملکرد کشاورزی بیشترین تراکم و عملکرد آموزشی کمترین تراکم را دارد. عملکرد کشاورزی بیشترین تراکم را دارد، این بدین معناست که در اکثر شهرستان های مورد مطالعه از نظر کشاورزی در موقعیت مناسبی به سر می برند و محصولات خود را صادر می کنند. هرچه تراکم کشاورزی و دامپروری بیشتر باشد بهتر است و نشان می دهد که شهر مورد نظر نه تنها

جدول (۶) فواصل بین سکونتگاهها به کیلومتر

آباده	۴۰	۲۳۵	۴۳۴	۴۳۲	۴۳۴	۳۷۴	۱۴۰	۴۶۶
اقلید		۲۲۸	۴۲۷	۴۲۵	۴۲۷	۳۶۷	۱۲۸	۴۵۹
مرودشت			۱۹۹	۱۹۷	۱۹۹	۱۳۹	۱۹۱	۲۳۱
کازرون				۵۸		۲۳۳	۲۹۰	۳۵۲
ممسنی						۱۷۵	۳۸۸	۳۵۰
استهبان						۲۶۰	۱۶۰	۳۳
سپیدان							۲۹۳	۲۹۲
بوانات								۴۲۲
نی ریز								

جدول (۷) مقایسه میزان وابستگی شهرستان های مورد مطالعه

مکان	جمعیت	مجموع فواصل نسبت به سایر سکونتگاهها	نزدیکی Closeness	بینابینی Betweenness
آباده	۹۲۵۹۵	۲۵۵۵	۰/۰۰۰۳۹	۰
اقلید	۱۰۶۶۶۴	۲۵۰۱	۰/۰۰۰۴۰	۲
مرودشت	۲۹۷۳۹۹	۱۶۱۹	۰/۰۰۰۶۲	۹
کازرون	۲۶۶۵۴۶	۲۳۱۳	۰/۰۰۰۴۳	۰
ممسنی	۱۶۶۳۰۸	۲۲۴۳	۰/۰۰۰۴۴	۱
سپیدان	۹۰۳۳۹	۲۱۳۳	۰/۰۰۰۴۷	۰
بوانات	۴۶۴۳۴	۲۰۱۲	۰/۰۰۰۵۰	۰
استهبان	۶۷۸۷۵	۲۰۵۱	۰/۰۰۰۴۹	۰
نی ریز	۱۰۷۴۰۶	۲۶۰۵	۰/۰۰۰۳۸	۰



نقشه (۱) نقشه سطح‌بندی شهرهای میانی شمال استان فارس

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌شود و پس از جمع‌بندی درجه بیرونی شهرهای مورد مطالعه، در سطح‌بندی شهرهای شمال استان فارس، نتایج سطح‌بندی بدین صورت شد: ۱-مرودشت ۲-کازرون ۳-سپیدان ۴-استهبان ۵-آباده ۶-بوانات ۷-اقلید ۸-نی ریز ۹-ممسنی

با توجه به آنچه گفته شد و از تحلیل داده‌های منطقه این نتیجه حاصل می‌شود که با استفاده از روش تحلیل شبکه و روابط بین سکونت‌گاه‌ها می‌توان از بین نقاط موجود منطقه عامل کلیدی را پیدا کرد. به این ترتیب از بین شهرستان‌های مورد مطالعه شهرستان مرودشت را می‌توان عامل کلیدی در نظر گرفت.

با توجه به روش بکار گرفته شده می‌توان گفت که این شهرستان‌ها جهت ایفای نقش خود در تعادل کالبدی-فضایی منطقه نیازمند توجه بیشتر و جذب بیشتر سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی هستند تا بتوانند با ایجاد اشتغال در توسعه خود و منطقه مؤثر افتاده و جمعیت خود را نگه‌داشته و بتوانند به‌عنوان نقاط

با توجه به جمعیت شهرستان‌ها و مشاهده درجه وابستگی بین آن‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هیچ ارتباطی بین جمعیت و درجه وابستگی وجود ندارد و این یکی از مزیت‌های روش تحلیل شبکه می‌باشد که بدون در نظر گرفتن جمعیت، این امکان را می‌دهد که از طریق میزان جریانات، کلیدی بودن یک عامل مشخص شود.

با توجه به مقادیر نزدیکی به دست آمده ملاحظه می‌شود که مرودشت دارای نزدیکی بیشتری نسبت به سایر سکونتگاه‌ها می‌باشد و مرکزیت بهتری نسبت به سایرین دارد.

همچنین با توجه به مقادیر بینابینی به دست آمده ملاحظه می‌شود که مرودشت به دلیل موقعیت قرارگیری مناسب در منطقه مورد مطالعه دارای بالاترین بینابینی است و این بدین معناست که اکثر شهرهای مورد مطالعه برای ارتباط با یکدیگر باید از این شهر عبور کنند و محل تردد آن‌هاست (راه اتصال آن‌هاست) و پس از آن به ترتیب بینابینی اقلید و ممسنی بیشتر است

منابع و مأخذ

- ۱) امچکی، حمیده. (۱۳۸۳). شهرهای میانی و نقش آن‌ها در چارچوب توسعه ملی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی. تهران.
- ۲) باقری، اشرف السادات. ۱۳۷۷. کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای. فصلنامه مدرس، شماره ۹-۸.
- ۳) بدری، سید علی و سعیدرضا اکبریان رونیزی. ۱۳۸۷. تحلیل روابط کارکردی-خدماتی سکونتگاه‌های انسانی با استفاده از روش تحلیل شبکه: بخش رونیز. فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲ شماره ۲.
- ۴) تقوایی، مسعود و رضا مختاری ملک‌آبادی. ۱۳۸۳. مدیریت شهری در شهرهای متوسط. ماهنامه شهرداری‌ها. شماره ۶۱.
- ۵) تقوایی، مسعود و حمیدرضا وارثی. ۱۳۸۷. تحلیل جایگاه و نقش شهر میانی همدان در توسعه‌ی منطقه‌ای. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. شماره ۱۱.
- ۶) توفیق، فیروز. (۱۳۸۴) آمایش سرزمین، تجربه‌های جهانی و انطباق آن با وضع ایران. مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
- ۷) حاتمی نژاد، حسین و پورحسین، حمید و محمدپور، صابر و منوچهری، ایوب. ۱۳۹۰. تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرند در سطح شهرستان مرند. مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۸.
- ۸) حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۰) برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت، تهران.
- ۹) حسین زاده دلیر، کریم و دیگران. ۱۳۹۱. مدیریت شهری در شهرهای میانی ایران. فصلنامه‌ی علمی پژوهشی فضای جغرافیایی. سال دوازدهم. شماره ۳۷.
- ۱۰) رجائی، عباس. (۱۳۸۶). نقش شهرهای میانی در تعادل میانی، مطالعه موردی: شهرستان شهرضا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- ۱۱) زیاری، کرامت الله و جعفر تقی اقدام. ۱۳۷۸. عملکرد شهر میانی خوی در توسعه فضایی استان آذربایجان غربی، پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۶۳.
- ۱۲) سعیدآبادی، رشید؛ و [دیگران]. ۱۳۸۹. نقش شهرهای میانی در توسعه منطقه‌ای، مطالعه موردی شهرهای میانی استان فارس. سومین همایش ملی جغرافیا و رویکرد علمی به توسعه پایدار

جاذب جمعیت حتی برای افراد ساکن در نخست شهر باشند به شرط آن که بتوان این شهرها را به سمت توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیرساخت‌ها سوق داد و آن‌ها را به‌عنوان محیط‌های مطلوبی جهت سکونت افراد و به‌عنوان گزینه بهینه جهت زندگی و کار در نظر گرفت.

با توجه به مشکلاتی نظیر گرانی زمین و مسکن در شهرها، آلودگی هوا، ترافیک، فاصله زیاد بین محل کار و سکونت و یا فاصله زیاد برای استفاده از امکانات شهری و دیگر مشکلات شهرنشینی، اگر به این شهرها در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و آمایشی به‌طور جدی پرداخته شود و در جهت توسعه و رشد آن‌ها تلاش شود این شهرها می‌توانند به‌عنوان وزنه‌ای جهت ثبات و برقراری تعادل فضایی در سطح منطقه‌ای باشند.

یکی از عوامل مهمی که در تعادل کالبدی - فضایی منطقه مؤثر است توزیع جمعیت و در مرحله بعد توزیع امکانات و ثروت به‌صورت متعادل در منطقه است.

اگر بخواهد توزیع امکانات و ثروت در منطقه با توجه به جمعیت هر مکان صورت پذیرد سهم شهرهای میانی از این امکانات بسیار کمتر است و دلیل آن هم به انباشت جمعیت در شهر بزرگ منطقه است. (شیراز) این امر باعث تجمع ثروت در کلان‌شهر می‌گردد و شهرهای کوچک‌تر به دلیل کمی جمعیت باز هم از توسعه می‌مانند و روز به روز بر تمرکز منطقه و نابرابری‌های منطقه‌ای افزوده می‌شود.

شهرهای میانی جهت رشد و توسعه خود و کمک به تعادل فضایی منطقه احتیاج به جمعیت‌پذیری دارند، جهت این امر نیز باید در زمینه‌های اقتصادی توسعه پیدا کنند تا بتوانند باعث اشتغال گردیده و جمعیت را به خود جذب کنند.

توسعه زیرساخت‌ها به‌عنوان امری مشترک در جهت توسعه همه شهرهای میانی امری اجتناب‌ناپذیر است توسعه اجتماعی - فرهنگی که نیاز به سرمایه‌گذاری و جواب دهی در بلند مدت دارد نیز امری است که می‌تواند بر جاذبه این شهرها افزوده و از مهاجرت‌ها نیز بکاهد.

- ۱۳) شریفی‌نیا، زهرا و محمدرضا نورا. ۱۳۸۹. بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه (دهستان نظام‌آباد). فصلنامه جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول
- ۱۴) صرافی، مظفر. (۱۳۷۷) برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای. تهران: انتشارات برنامه و بودجه،
- ۱۵) کنعان پور، جهانگیر. (۱۳۸۴) برنامه‌ریزی فضایی سیستم‌های شهری استان اردبیل، مجموعه مقالات تخصصی معماری و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری
- ۱۶) محمدزاده تیتکانلو، حمیده. ۱۳۸۱. شهرهای متوسط و شهری شدن جهان (نگاهی به بیانیه لید). فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۵
- ۱۷) موحد، علی و مسعودی راد، ماندانا. ۱۳۸۸. بررسی و نقش کارکردهای شهرهای میانی در توسعه اقتصاد منطقه‌ای (مطالعه موردی: بروجرد). مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. شماره ۱۲

- 18) Adedayo, A and Afolayan, G.P. (2012), Implication Of Community Infrastructure Journal of Enviromental Studies and Management EJESM vol. 5 no 4 (suppl. 2)
- 19) De Miranda Tofani, Juliana Torres (1996) local humanizes Development of small and Intermediate Urban center in developing countries: The Case of Tree Cities in Southern Bahia, Brazil, A Thesis Submitted to the Faculty of Architecture in Partial Fulfillment of the Requirements.
- 20) Otiso KM, (2003). State voluntary and private sector partnership for slum upgrading and basic service delivery in Nairobi city, Kenya cities 20 (4):221-229.
- 21) Rondinelli, D.A., 1983, Secondary cities in Developing Countries, Policies for Diffusing Urbanization
- 22) Bolay. J-C and Rabinovich. A (2004) Intermediate cities in Latin America risk and opportunities of coherent urban development. Laboratory of Urban Sociology.

یادداشت‌ها

¹ Filho

² Lajugie

³ Rondinelli

⁴ Metropolitan

